

فهرست مطالب

۱۰	نشانه‌های اختصاری
۱۷	قانون مدنی لازم‌الاجرا ۱۳۰۷/۲/۲۰ با الحاقات و اصلاحات بعدی
۱۷	مقدمه: در انتشار و آثار و اجرای قوانین به طور عموم
۳۵	جلد اول (در اموال)
۳۶	کتاب اول: در بیان اموال و مالکیت به طور کلی
۳۶	باب اول: در بیان انواع اموال
۳۷	فصل اول: در اموال غیر منقول
۴۲	فصل دوم: در اموال منقوله
۴۳	فصل سوم: در اموالی که مالک خاص ندارد
۴۹	باب دوم: در حقوق مختلفه که برای اشخاص نسبت به اموال حاصل می‌شود
۵۳	فصل اول: در مالکیت
۶۱	فصل دوم: در حق انتفاع
۶۱	مبحث اول: در عمری و رقبی و سکنی
۶۸	مبحث دوم: در وقف
۸۲	مبحث سوم: در حق انتفاع از میاحات
۸۳	فصل سوم: در حق ارتفاق نسبت به ملک غیر و در احکام و آثار املاک نسبت به املاک مجاور
۸۳	مبحث اول: در حق ارتفاق نسبت به ملک غیر
۸۸	مبحث دوم: در احکام و آثار املاک نسبت به املاک مجاور
۹۷	مبحث سوم: در حریم املاک
۱۰۰	کتاب دوم: در اسباب تملک
۱۰۱	قسمت اول: در احیای اراضی موات و حیزات اشیاء میاحه
۱۰۱	باب اول: در احیاء اراضی موات و میاحه
۱۰۳	باب دوم: در حیزات میاحات
۱۰۷	باب سوم: در معادن
۱۰۸	باب چهارم: در اشیاء پیدا شده و حیوانات ضاله
۱۰۸	فصل اول: در اشیاء پیدا شده
۱۱۰	فصل دوم: در حیوانات ضاله
۱۱۱	باب پنجم: در دغینه
۱۱۳	باب ششم: در شکار
۱۱۴	قسمت دوم: در عقود و معاملات و الزامات
۱۱۴	باب اول: در عقود و تعهدات به طور کلی
۱۲۴	فصل اول: در اقسام عقود و معاملات

۱۴۶	فصل دوم: در شرایط اساسی برای صحت معامله
۱۴۸	مبحث اول: در قصد طرفین و رضای آنها
۱۵۵	مبحث دوم: در اهلیت طرفین
۱۸۱	مبحث سوم: در مورد معامله
۱۸۵	مبحث چهارم: در جهت معامله
۱۹۰	فصل سوم: در اثر معاملات
۱۹۰	مبحث اول: در قواعد عمومی
۲۰۲	مبحث دوم: در خسارات حاصله از عدم اجرای تعهدات
۲۱۱	مبحث سوم: در اثر عقود نسبت به اشخاص ثالث
۲۱۴	فصل چهارم: در بیان شرایطی که در ضمن عقد می‌شود
۲۱۴	مبحث اول: در اقسام شرط
۲۲۱	مبحث دوم: در احکام شرط
۲۲۹	فصل پنجم: در معاملاتی که موضوع آن مال غیر است یا معاملات فضولی
۲۴۰	فصل ششم: در سقوط تعهدات
۲۴۲	مبحث اول: در وفای به عهد
۲۵۸	مبحث دوم: در اقاله
۲۶۵	مبحث سوم: در ایرا
۲۶۹	مبحث چهارم: در تبدیل تعهد
۲۷۴	مبحث پنجم: در تهاتر
۲۷۹	مبحث ششم: مالکیت مافی‌الذمه
۲۸۱	باب دوم: در الزاماتی که بدون قرارداد حاصل می‌شود
۲۸۱	فصل اول: در کلیات
۲۸۶	فصل دوم: در ضمان قهری
۲۹۰	مبحث اول: در غضب
۳۰۷	مبحث دوم: در اتلاف
۳۰۹	مبحث سوم: در تسبیب
۳۲۳	مبحث چهارم: در استیفا
۳۲۷	«قانون مسئولیت مدنی»
۳۳۹	باب سوم: در عقود معینه مختلفه
۳۴۰	فصل اول: در بیع
۳۴۰	مبحث اول: در احکام بیع
۳۴۸	مبحث دوم: در طرفین معامله
۳۴۹	مبحث سوم: در مبیع
۳۵۹	مبحث چهارم: در آثار بیع

۳۶۱	فقره اول: در مالکیت مبیع و ثمن
۳۶۳	فقره دوم: در تسلیم
۳۷۷	فقره سوم: در ضمان دزدک
۳۸۱	فقره چهارم: در تأدیه ثمن
۳۸۲	مبحث پنجم: در خیارات و احکام راجعه به آن
۳۸۲	فقره اول: در خیارات
۳۸۵	اول: در خیار مجلس
۳۸۶	دوم: در خیار حیوان
۳۸۶	سوم: در خیار شرط
۳۹۰	چهارم: در خیار تأخیر ثمن
۳۹۳	پنجم: در خیار رؤیت و تخلف وصف
۳۹۵	ششم: در خیار غبن
۳۹۷	هفتم: در خیار عیب
۴۰۴	هشتم: در خیار تدلیس
۴۰۶	نهم: در خیار تبعض صفقه
۴۰۸	دهم: در خیار تخلف شرط
۴۰۸	فقره دوم: در احکام خیارات به طور کلی
۴۱۷	فصل دوم: در بیع شرط
۴۲۱	فصل سوم: در معاوضه
۴۲۲	فصل چهارم: در اجاره
۴۲۶	مبحث اول: در اجاره اشیاء
۴۵۴	مبحث دوم: در اجاره حیوانات
۴۵۵	مبحث سوم: در اجاره اشخاص
۴۵۶	فقره اول: در اجاره خدمه و کارگر
۴۵۸	فقره دوم: در اجاره متصدی حمل و نقل
۴۶۰	فصل پنجم: در مزارعه و مساقات
۴۶۰	مبحث اول: در مزارعه
۴۶۷	مبحث دوم: در مساقات
۴۶۹	فصل ششم: در مضاربه
۴۷۴	فصل هفتم: در جُعّاله
۴۷۸	فصل هشتم: در شرکت
۴۷۸	مبحث اول: در احکام شرکت
۴۸۸	مبحث دوم: در تقسیم اموال شرکت
۴۹۸	فصل نهم: در ودیعه

۴۹۸	مبحث اول : در کلیات
۵۰۱	مبحث دوم: در تعهدات امین
۵۰۹	مبحث سوم: در تعهدات امانت گذار
۵۱۰	فصل دهم: در عاریه
۵۱۵	فصل یازدهم: در قرض
۵۱۷	فصل دوازدهم: در قمار و گرویندی
۵۱۸	فصل سیزدهم: در وکالت
۵۱۸	مبحث اول: در کلیات
۵۲۴	مبحث دوم: در تعهدات وکیل
۵۲۸	مبحث سوم: در تعهدات موکل
۵۳۱	مبحث چهارم: در طرق مختلفه انقضای وکالت
۵۳۸	فصل چهاردهم: در ضمان عقدی
۵۳۸	مبحث اول: در کلیات
۵۴۶	مبحث دوم : در اثر ضمان بین ضامن و مضمون له
۵۴۹	مبحث سوم : در اثر ضمان بین ضامن و مضمون عنه
۵۵۲	مبحث چهارم : در اثر ضمان بین ضامنین
۵۵۴	فصل پانزدهم: در حواله
۵۵۹	فصل شانزدهم: در کفالت
۵۶۷	فصل هفدهم: در صلح
۵۷۴	فصل هجدهم: در رهن
۵۸۸	فصل نوزدهم: در هبه
۵۹۴	قسمت سوم: در اخذ به شفعه
۶۱۰	قسمت چهارم: در وصایا و ارث
۶۱۰	باب اول : در وصایا
۶۱۰	فصل اول: در کلیات
۶۱۸	فصل دوم: در موصی
۶۲۲	فصل سوم: در موصی به
۶۲۹	فصل چهارم: در موصی له
۶۳۱	فصل پنجم: در وصی
۶۳۴	باب دوم: در ارث
۶۳۴	فصل اول: در موجبات ارث و طبقات مختلفه ارث
۶۳۸	فصل دوم: در تحقق ارث
۶۴۷	فصل سوم: در شرایط و جمله‌ای از موانع ارث
۶۵۲	فصل چهارم: در خجب

۶۵۷ فصل پنجم: در فرض و صاحبان فرض
۶۶۰ فصل ششم: در سهم الارث طبقات مختلفه وراث
۶۶۰ مبحث اول: در سهم الارث طبقه اول
۶۶۴ مبحث دوم: در سهم الارث طبقه دوم
۶۶۷ مبحث سوم: در سهم الارث وراث طبقه سوم
۶۷۰ مبحث چهارم: در میراث زوج و زوجه
۶۷۶ کتاب سوم: در مقررات مختلفه
۶۷۹ جلد دوم (در اشخاص)
۶۸۰ کتاب اول: در کلیات
۶۹۵ کتاب دوم: در تابعیت
۷۰۳ کتاب سوم: در اسناد سجل احوال
۷۱۱ کتاب چهارم: در اقامتگاه
۷۱۵ کتاب پنجم: در غایب مفقود الاثر
۷۲۳ کتاب ششم: در قرابت (مصوب ۱۳۱۳/۱۲/۲۱)
۷۲۹ کتاب هفتم: در نکاح و طلاق
۷۲۹ باب اول: در نکاح
۷۲۹ فصل اول: در خواستگاری (مصوب ۱۳۱۳/۱۲/۲۱)
۷۳۲ فصل دوم: قابلیت صبحی برای ازدواج
۷۳۴ فصل سوم: در موانع نکاح
۷۴۲ فصل چهارم: شرایط صحت نکاح
۷۴۵ فصل پنجم: در کالت در نکاح
۷۴۶ فصل ششم: در نکاح منقطع
۷۴۷ فصل هفتم: در مهر
۷۶۰ فصل هشتم: در حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر
۷۷۲ باب دوم: در انحلال عقد نکاح
۷۷۴ فصل اول: در امکان فسخ نکاح
۷۸۰ فصل دوم: در طلاق
۷۸۰ مبحث اول: در کلیات
۷۸۷ مبحث دوم: در اقسام طلاق
۷۹۰ مبحث سوم: در عده
۷۹۴ کتاب هشتم: در اولاد
۷۹۴ باب اول: در نسب
۷۹۹ باب دوم: در نگاهداری و تربیت فرزندان اطفال
۸۰۵ باب سوم: در ولایت قهری پدر و جد پدری

۸۱۱ کتاب نهم: در خانواده (مصوب ۱۳۱۴/۱/۱۹)
۸۱۱ فصل اول: الزام به انفاق
۸۱۶ کتاب دهم: در خنجر و قیمومت
۸۱۶ فصل اول در کلیات
۸۲۲ فصل دوم: در موارد نصب قیم و ترتیب آن
۸۲۹ فصل سوم: در اختیارات و وظایف و مسئولیت قیم و حدود آن
۸۳۲ فصل چهارم: در موارد عزل قیم
۸۳۷ فصل پنجم: در خروج از تحت قیمومت
۸۳۹ جلد سوم (در ادله اثبات دعوی)
۸۴۲ کتاب اول: در اقرار
۸۴۲ باب اول: در شرایط اقرار
۸۴۵ باب دوم: در آثار اقرار
۸۵۰ کتاب دوم: در اسناد
۸۵۸ کتاب سوم: در شهادت
۸۵۸ باب اول: در موارد شهادت
۸۶۰ باب دوم: در شرایط شهادت
۸۶۲ کتاب چهارم: در امارات
۸۶۳ کتاب پنجم: در قسم
۸۷۵ منابع و مآخذ

قانون مدنی

لازم‌الاجرا از ۱۳۰۷/۲/۲۰ با الحاقات و اصلاحات بعدی^۱

مقدمه

در انتشار و آثار و اجرای قوانین به طور عموم

ماده ۱: تصویب و امضای قانون و دستور ابلاغ آن

مصوبات مجلس شورای اسلامی و نتیجه همه پرسی پس از طی مراحل قانونی به رئیس جمهور ابلاغ می‌شود. رئیس جمهور باید ظرف مدت پنج روز آن را امضاء و به مجریان ابلاغ نماید و دستور انتشار آن را صادر کند و روزنامه رسمی موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت پس از ابلاغ منتشر نماید.

تبصره: در صورت استنکاف رئیس جمهور از امضا یا ابلاغ در مدت مذکور در این ماده به دستور رئیس مجلس شورای اسلامی روزنامه رسمی موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت مصوبه را چاپ و منتشر نماید.

۱. قانون در معنای خاص، مصوبات مجلس و نتیجه همه‌پرسی است که پس از طی تشریفات قانونی لازم‌الاجرا می‌شود؛ اگرچه طبق اصل ۵۸ قانون اساسی «اعمال قوه مقننه از طریق

۱- مواد ۱ تا ۹۵۵ در سال ۱۳۰۷ و مواد ۹۵۶ تا ۱۰۶۱ در سال ۱۳۱۳ و مواد ۱۰۶۲ تا ۱۳۲۵ در سال ۱۳۱۴ به تصویب رسیده است؛ البته واقعیت این است که قانون مدنی در تاریخ ۱۳۰۷/۲/۱۸ به تصویب نرسیده است بلکه در این تاریخ، بنا بر ضرورت تسریع در اجرای لایحه مدنی و لغو کاپیتولاسیون، «قانون اجازه اجرای لایحه قانون مدنی تا موقع اعلام رأی قطعی کمیسیون پارلمانی عدلیه» به تصویب رسیده و به موجب قانون اخیر، لایحه مدنی (مشمول بر مواد ۱ تا ۹۵۵) از تاریخ ۱۳۰۷/۲/۲۰ (روز لغو کاپیتولاسیون) لازم‌الاجرا گردید و اساساً اطلاق عنوان «قانون مدنی» به این مجموعه چندان صحیح نیست؛ زیرا هر طرح یا لایحه، پس از سیر مراحل قانونی، عنوان «قانون» را به خود اختصاص می‌دهد؛ بنابراین عنوان «لایحه قانونی مدنی» به مواد ۱ تا ۹۵۵ اختصاص می‌یابد (مشروح مذاکرات قانون مدنی، احمد رضا تائیدی، انتشارات روزنامه رسمی، ج ۲، ۱۳۹۵، ص ۷ و ۲۳).

مجلس شورای اسلامی است...» ولی در عمل، نهادهای قانونگذاری دیگری چون مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی امنیت ملی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی فضای مجازی، شورای عالی هماهنگی اقتصادی قوای سه گانه نیز مصوباتی دارند که با آنها به مانند قانون برخورد می‌شود؛ در مقابل منظور از «مقرره»، مصوبات، آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌هایی است که توسط مراجع ذی‌صلاحی به جز مرجع قانونگذاری، وضع می‌شود مانند مصوبات هیئت دولت یا بخشنامه‌های رئیس قوه قضائیه یا وزرا و روسای سازمان‌های دولتی؛ علی‌رغم وجود تفاوت‌های اساسی میان قانون و مقرره، متأسفانه مراجع وضع قانون و مقرره به این تفکیک پایبند نبوده و در عمل این دو واژه را به جای یکدیگر به کار می‌برند (برای مطالعه بیشتر رجوع کنید: اسلامی، اصول و فنون قانون‌گذاری، انتشارات جنگل).

۲. از جمله تفاوت‌های قانون و مقرره می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) قانون می‌تواند ایجاد حق و تکلیف کند در حالی که مقرره مستقلاً ایجاد حق یا تکلیف نمی‌کند و عمدتاً حاوی امور شکلی و اجرایی در حدود قانون مصوب است؛ به همین دلیل مقرره نباید مخالف قانون باشد و نمی‌تواند قلمرو قانون را گسترش داده یا محدود کند (قسمت اخیر اصل ۸۵ و ۱۷۳ قانون اساسی)؛

ب) فقط قانون امکان جرم‌انگاری دارد (ماده ۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲)؛ به عبارت دیگر، هیچ فعل یا ترک فعلی جرم نیست مگر به موجب «قانون»؛

پ) وضع مالیات یا معافیت از آن، محتاج قانون است (اصل ۵۱ ق.ا)؛

ت) فقط قانون می‌تواند اثر قهری داشته باشد (رک شماره ۴ ماده ۴ (ر.ک: اسلامی، همان منبع، ص ۴۰).

۳. وضع قانون و به اجرا در آمدن آن در نظام حقوقی ایران، اصولاً متضمن شش مرحله است:

الف) پیشنهاد قانون (تقدیم لوایح قانونی پس از تصویب هیئت وزیران و یا طرح‌های قانونی به پیشنهاد حداقل پانزده نفر از نمایندگان مجلس و یا از طریق شورای عالی استان‌ها)؛

ب) تصویب قانون (از طریق مجلس یا همه‌پرسی) (اصول ۵۸ و ۵۹ ق.ا)؛

پ) تأیید قانون (از طریق شورای نگهبان یا مجمع تشخیص مصلحت) (اصول ۹۴ و ۱۱۲ ق.ا)؛

ت) امضای قانون (توسط رئیس جمهور) (اصل ۱۳۳ ق.ا)؛

ث) انتشار قانون (در روزنامه رسمی) (ماده ۳ ق.م)؛

ج) گذشت مدت زمان معین از انتشار قانون (اصولاً پانزده روز از انتشار) (ماده ۲ ق.م).

۴. در ماده ۱، دو نوع ابلاغ پیش‌بینی شده است: اول ابلاغ به مجریان که به محض ابلاغ، اصولاً مکلف به اجرای قانون هستند مگر در موردی که با حقوق عامه تعارض داشته باشد یعنی

برای سایر مردم نیز حق و تکلیف ایجاد نماید و صرفاً مربوط به آن سازمان نباشد (ماده ۳۰ آیین نامه داخلی هیئت دولت ۱۳۶۸/۹/۸) که در این صورت اجراء منوط به انقضای مدت پانزده روزه است (نظریه مشورتی (۶)، ۱۳۵۹/۴/۲۱-۷/۲۵۲) و چنانچه در مورد نادری، ابلاغ به مجریان صورت نگیرد مجریان مکلف هستند بعد از پانزده روز از انتشار، قانون را اجرا کنند و دوم، ابلاغ به عموم مردم که از طریق روزنامه رسمی صورت می‌گیرد و اجرای آن منوط به انقضای مدت پانزده روزه است (انگرودی (۱)، ص ۲).

۵. به اعتقاد برخی، لزوم امضای قوانین مبتنی بر اصل تفکیک قوای سه‌گانه است زیرا قوه مقننه صلاحیت وضع قانون را دارد اما نمی‌تواند آن را اجرا کند و یا دستور اجرای آن را بدهد (هاشمی (۲)، ص ۱۸۹)؛ بر همین اساس، برخی از حقوقدانان معتقدند که جانشینی رئیس مجلس در فرض استنکاف رئیس جمهور، خلاف اصل استقلال قوا، مندرج در اصل ۵۷ قانون اساسی است (کاتوزیان (۳)، ش ۱۰۷)؛ با وجود این، به نظر می‌رسد امضای قانون، ریشه در سنت تاریخی حقوق انگلستان دارد و مبنای آن بیشتر تضمین اجرای قانون است، به این معنا که امضای قانون توسط پادشاه انگلستان (رئیس کشور) نشانگر آن بود که وی نیز با اقدام پارلمان موافق بوده و به آن احترام می‌گذارد و طبیعتاً سایرین نیز باید از آن اطاعت نمایند؛ به ویژه اینکه تمام مصوبات مجلس مربوط به قوه مجریه نیست تا امضای قانون همیشه ریشه در تفکیک قوا داشته باشد (مانند قانون آیین دادرسی که مربوط به قوه قضائیه است و یا قانون تشکیل مرکز پژوهش‌های مجلس که مربوط به مجلس شورای اسلامی است) (آقای (۴)، ص ۲۲).

۶. امضای رئیس جمهور، اعلام رسمی تصویب قانون مطابق قانون اساسی است و به آن قوه اجرایی می‌دهد و به این معنا است که همه باید از آن اطاعت کنند (کاتوزیان (۳)، ش ۱۰۷).

۷. امضای قانون برای رئیس جمهور «اجباری» است مگر اینکه تشریفات قانونی رعایت نشده باشد (مستفاد از اصل ۱۲۴ ق.ا.؛ منظور از تشریفات یا همان «مراحل قانونی» مندرج در صدر ماده ۱، طی شدن فرآیند «شکلی» قانونگذاری است و رئیس جمهور صلاحیت ورود در امور ماهوی را ندارد زیرا مرجع صالح جهت تشخیص مغایرت قانون با شرع و قانون اساسی، شورای نگهبان است (اصل ۹۴ ق.ا.؛ بنابراین در صورتی که مجلس بدون ارسال مصوبه به شورای نگهبان، آن را جهت امضا به رئیس جمهور ابلاغ نماید، رئیس جمهور می‌تواند و بلکه مکلف است از امضای آن خودداری کند.

۸. راه حل پیش‌بینی شده در فرض استنکاف رئیس جمهور از امضای قانون باید در قانون اساسی تعیین می‌شد، نه در قانون عادی و توسط مجلس (کاتوزیان (۵)، ص ۲۴)؛ به نظر می‌رسد

چشم‌پوشی شورای نگهبان از این مصوبه مغایر با قانون اساسی، ریشه در مصالح عملی جهت رفع فوری خلأ مذکور و معطل نماندن اجرای قوانین دارد؛ به هر حال ضرورت اصلاح مورد مذکور و رفع ابهامات اصل ۱۲۳ قانون اساسی بر کسی پوشیده نیست.

۹. در صورت امتناع ناموجه رئیس‌جمهور و اثبات تخلف وی در دیوانعالی کشور، مقام معظم رهبری می‌تواند با در نظر گرفتن مصالح کشور، به استناد بند ۱۰ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، رئیس‌جمهور را عزل نماید (هاشمی (۲)، ص ۱۸۹).

ماده ۲ (اصلاحی ۱۳۴۸/۸/۲۹): زمان لازم‌الاجرا شدن قوانین

قوانین ۱۵ روز پس از انتشار، در سراسر کشور لازم‌الاجرا است مگر آنکه در خود قانون، ترتیب خاصی برای موقع اجرا مقرر شده باشد.

۱. مهلت فوق در مورد اجرای قانون در خارج از کشور هم لازم‌الرعایه است^۱ (م ۶ ق.م). مگر این که کشور خارجی در وضعی قرار داشته باشد که همه ایرانیان مقیم در آن جاهل به قانون مانده باشند که در این صورت اثبات جهل به قانون پذیرفته می‌شود (کانونیان (۳)، ش ۱۱۲).

۲. ماده ۲، مبتنی بر این «فرض قانونی» است که پس از گذشت پانزده روز از انتشار قانون، همه به آن آگاه هستند و خلاف آن جز در موارد نادر، قابل اثبات نیست (جهل به قانون عذر محسوب نشده و رافع مسئولیت نیست).

۳. بر مبنای قاعده قبح عقاب پلایان، تصویب‌نامه و آیین‌نامه نیز باید منتشر شود، اما لزوم انتشار و گذشت مهلت، برای «عموم» است و سازمان‌های دولتی، اصولاً تابع ابلاغ مقام‌های اداری هستند (کانونیان (۳)، ش ۱۱۰؛ م ۱۱ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات (۱۳۸۸) (ر.ک: ش ۱۲ و ش ۲ م ۳)؛ البته پس از انتشار قانون و اتمام مهلت، قانون برای همه لازم‌الاجرا است و مقامات اداری نمی‌توانند به بهانه عدم ابلاغ قانون به آن‌ها از اجرای آن خودداری نمایند؛ اگرچه متأسفانه در عمل، مقامات اداری گاهی خلاف رویه قانونی اخیر عمل می‌نمایند.

۱- ماده ۲ سابق قانون مدنی (مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸) برای هر شش فرسخ فاصله با تهران یک روز به موعد مقرر جهت لازم‌الاجرا شدن قانون اضافه می‌نمود، اصلاح قانون سابق نشان داد که قانون‌گذار دیگر فاصله مکانی را ملاک نمی‌داند و با تعیین ۱۵ روز به طور ثابت، حفظ نظم عمومی را در اولویت قرار داده است؛ به همین دلیل می‌توان نتیجه گرفت که اجرای ماده ۲ در خارج از کشور هم به هدف مقنن نزدیک‌تر است (کانونیان (۳)، ش ۱۱۲).